خط حزب‌الله ۳۲۰

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال ششم، شماره ۳۲۰ | هفته اول دی ۱۴۰۰ | KHAMENEI.IR

گزارش هفته

«من از ۲۴ سالگی تا به حال همیشه در مقابل انگلیسی‌ها چه در بین النهرین و چه در ایران فداکاری کرده‌ام ...» این جمله، بخشی از گفت‌وگوی آیت‌الله کاشانی با یکی از خبرنگاران وقت است. مرحوم کاشانی سال‌ها پیش از آنکه در مبارزات ملی‌شدن صنعت نفت دکتر مصدق را کمک کند، در سرزمین عراق و علیه انگلیس و سیاست‌های انگلیسی ید طولایی در مبارزات ضداستعماری داشت. این مبارزات به‌حدی پررنگ بود که در زمان جنگ جهانی اول و اشغال عراق، وی در زمره علمایی بود که بعد از به بن‌بست رسیدن مسیرهای مسالمت‌آمیز علیه اشغالگران انگلیسی به جهاد پرداخت.

در نهایت هم، پس از اشغال عراق و مستقرشدن حاکم انگلیسی بر این کشور برای دستگیری وی جایزه تعیین کردند. همین هم باعث شد که این مبارز ضدانگلیسی راهی ایران شود. همراهی او در تقویت نهضت ضدانگلیسی و ضداستعماری ملی‌شدن صنعت نفت هم روشن‌تر از آن است که نیازی به ادله و برهان داشته باشد. قراردادن این واقعیت مسلم تاریخ معاصر-که هنوز زمان زیادی از آن نگذشته است- در کنار تصویری که این سال‌ها دستگاه رسانه‌ای انگلیس در حال ترسیم آیت‌الله کاشانی است، هر فردی را وادار به تأمل می‌کند.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به‌حدی در حافظه تاریخی مردم ایران بدنام است که حتی رسانه انگلیسی هم فعلاً توانایی تغییر این تصویر را ندارد. تنها راه باقی، زدن آنگ این بدنامی به بعضی چهره‌های خوش‌نامی است که نه فقط دامنشان از ارتباط با بیگانه پاک است، بلکه سراسر عمر و حیاتشان هم مبارزه با استعمار بوده و مرحوم آیت‌الله کاشانی یکی از همین چهره‌هاست. تغییر تاریخ و واقعیات تاریخی با خلق یک روایت نادرست و دخیل دانستن یک مبارز مذهبی و ضداستعماری در یک کودتای ضدملی و ضدوطنی که باعث استمرار سلطنت پهلوی شد. تغییر روایت باعث تغییر تصویر واقعیت در افکار عمومی می‌شود.

هدف این جنگ روایی، ادراکی و شناختی پرهزدن دستگاه تحلیلی افکار عمومی و تصمیم‌گیری او در جهت معادلات و منافع استعمار و استکبارگران است. تاریخ و مسائل تاریخی هم بهترین دست‌مایه برای این کار است. هم موضوع، موضوع تخصصی است و شبهه‌زدایی از آن نیاز به اطلاعات و شناخت تخصصی دارد و هم اینکه عمده کنشگران آن واقعیات هم‌اکنون در قید حیات نیستند که بخواهند در مقام دفاع از حقیقت برآیند. لاجرم، دور از ذهن هم نخواهد بود که مجراهای رسانه‌ای دشمن در سال‌های اخیر به تولید انواع و اقسام برنامه‌ها و مستندات به قصد نمایش معوج از پیش از انقلاب و تطهیر پهلوی به‌طور خاص روی آورد. تصویر دروغ «یک ایران نوین و پیشرفته» در پیش از انقلاب در تلویزیون‌های معاند فارسی‌زبان به‌حدی از واقعیات مسلم تاریخی فاصله دارد که حتی مایه مضحکه و تمسخر خود مخاطبانشان را هم فراهم آورده است.

در این جنگ روایی، حتی به چهره‌های ضداستعماری تاریخ هم رحم نشده است؛ از شخص امام خمینی (ره) و تحریف شخصیت ایشان تا انگلیسی معرفی کردن نهضت انقلابی و اسلامی مردم ایران و نیز دیگر شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله کاشانی و دخیل دانستن ایشان در کودتای ۲۸ مرداد و میرزا کوچک‌خان جنگلی و تحت‌الحمایه بودن وی از جانب روس‌ها و متهم‌کردن امیرکبیر به ارتباط و حمایت انگلیس نامیده‌شده و لاجرم به یک جنگ شناختی و ادراکی روی آورده است.

اما سمت دیگر این واقعیت، احساس خطر و زنگ هشدار است. تغییر نگرش‌های شناختی و ادراکی یک جامعه و روایت‌سازی‌های دروغ از واقعیت، دستگاه محاسباتی جامعه را تغییرداده و در درازمدت آن‌ها را به سمت‌وسوهایی خواهد کشاند که مطلوب همان کسانی است که روزگاری برای مهار انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی را به ایرانیان تحمیل کردند و بعد هم به فشارهای اقتصادی روی آوردند. تأسف‌بار آنکه بعضی چهره‌های داخلی هم در این میان کمک‌حال این جنگ روایی و شناختی شده‌اند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

در چنین موقعیتی است که روایت صحیح و درست از تاریخ و انقلاب و مبارزات ضداستعماری ملت ایران اهمیتی دوچندان می‌یابد و هشدار اخیر رهبر انقلاب هم معنادارتر می‌شود: «این همان حرفی است که بنده همیشه میگویم؛ شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش میخواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن گونه که مطلوب اوست، دارای دو معنای تلویحی است؛ نخست آنکه این اقدام و روی‌آوردن به روایت‌سازی و روایت معکوس از تاریخ بعد از تلاش‌های ناکام جنگ نظامی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد. به‌عبارت بهتر، نفس روی‌آوردن دشمن به این عرصه نشان‌دهنده آن است که دشمن حداقل از فشار نظامی و اقتصادی علیه جمهوری ناامیدشده و لاجرم به یک جنگ شناختی و ادراکی روی آورده است.

اما سمت دیگر این واقعیت، احساس خطر و زنگ هشدار است. تغییر نگرش‌های شناختی و ادراکی یک جامعه و روایت‌سازی‌های دروغ از واقعیت، دستگاه محاسباتی جامعه را تغییرداده و در درازمدت آن‌ها را به سمت‌وسوهایی خواهد کشاند که مطلوب همان کسانی است که روزگاری برای مهار انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی را به ایرانیان تحمیل کردند و بعد هم به فشارهای اقتصادی روی آوردند. تأسف‌بار آنکه بعضی چهره‌های داخلی هم در این میان کمک‌حال این جنگ روایی و شناختی شده‌اند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

در چنین موقعیتی است که روایت صحیح و درست از تاریخ و انقلاب و مبارزات ضداستعماری ملت ایران اهمیتی دوچندان می‌یابد و هشدار اخیر رهبر انقلاب هم معنادارتر می‌شود: «این همان حرفی است که بنده همیشه میگویم؛ شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش میخواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن گونه که مطلوب اوست، دارای دو معنای تلویحی است؛ نخست آنکه این اقدام و روی‌آوردن به روایت‌سازی و روایت معکوس از تاریخ بعد از تلاش‌های ناکام جنگ نظامی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد. به‌عبارت بهتر، نفس روی‌آوردن دشمن به این عرصه نشان‌دهنده آن است که دشمن حداقل

احکام

حکم شرکت در مسابقه با جایزه

سؤال: آیا شرکت و دریافت جایزه، در مسابقاتی که به برنده مسابقه جایزه می‌دهند، جایز است؟

جواب: در صورتی که مفسده‌ای نداشته باشد و به گونه‌ای نباشد که از بازنده مالی گرفته شده و به برنده داده شود، فی نفسه اشکال ندارد.

یادداشت هفته

«در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود.» ● ۸۸/۵/۵ «ایشان دیدیک عده‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد.» یکی از استدلال‌هایش این بود: «این پرچمی که شما در جبهه‌ی مقابل می‌بینید... زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند... اینها بصیرت است.» ● ۸۸/۱۰/۱۹

بصیرت داشتن و بصیرت افزایی مهم‌ترین مسئله در مواجهه‌ی صحیح با پدیده‌ها و رویدادهای مختلف سیاسی و رسانه‌ای و... است.

فتنه ۸۸ یکی از حوادث انقلاب است که اهمیت بصیرت و شناخت صحنه را نشان داد. عده‌ای به جای پذیرش نتایج آرا، علیه مردم سالاری و انتخابات شورش کردند: «انتخاباتی انجام میگیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند.» ● ۸۹/۱/۱ در این فتنه «اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور.» ● ۸۸/۹/۴ سپس «مردم را به خیابانها دعوت کردند... مأمنی درست میکنند برای آن کسی که میخواهد ایجاد آشوب و اغتشاش کند.» ● ۸۸/۱۱/۱۳ «آتش سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتائج قانونی را برگردانند.» ● ۸۹/۱/۱ جرم فتنه‌گران بازی در نقشه‌ی دشمن بود: «این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود.» ● ۸۹/۱۰/۱۹ و «خیلی‌ها در این حوادثی که در همین فتنه‌ی سال ۸۸ اتّفاق افتاد لغزیدند، آدمهای بدی نبودند [امّا] لغزیدند به خاطر کم بودن بصیرت.» ۹۴/۸/۲۰

بصیرت و گذر از فضای غبارآلود

«فتنه» ویژگی‌هایی دارد که تنها راه مقابله با آن «روشنگری و تبیین» است. اول خصوصیتِ حوادث فتنه‌گون این است که «فضا را فضای غبارآلود میکند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند.» ● ۸۸/۹/۲۲ «یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود.» ● ۸۸/۹/۲۲ علت آن است که «دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را برنمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را میخواهند... فضای غبارآلود، همان فتنه است.» ● ۸۸/۱۰/۱۹ و در پی آن «شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است.» ● ۸۸/۶/۱۴ در این فضا هدف غبارآلوده وارد میدان شد... اینجا باید مرزرا روشن کنید.» ● ۸۸/۱۰/۲۹ و علاجِ فتنه «عبارت است از صراحت در تبیین حق... وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود، بعد یک عامل («دشمن») ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد... اینجا باید مرزرا روشن کنید.» ● ۸۸/۱۰/۲۹ اما در فتنه ۸۸، فتنه‌گران حاضر نشدند مرز خود را با دشمن مشخص کنند.

و سرانجام بعد از آن که ماهیت فتنه‌گران آشکار شد، حماسه نهم دی پدید آمد، («بعد از آنهائی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند.» ● ۸۹/۷/۲۷

مروری بر اهمیت بصیرت در مواجهه با فتنه‌ها و راه‌های تقویت آن، به مناسبت یوم‌الله ۹ دی

بصیرت علاجِ فتنه

بصیرت، نورافکن است

بنابراین با بصیرت افزایی باید به جنگ فتنه هارفت؛ «بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نما است.» ● ۸۹/۸/۴ «بصیرت یعنی گم نکردن راه. اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خنّاسان و اشتباه نکردن کار و هدف.» ● ۹۰/۱۰/۱۹ «بصیرت این است که انسان بداند، حقایق را درک کند، جایگاه خودش را، جایگاه کشورش را، جایگاه منطق انقلاب را، جایگاه آن خطّ مستقیم و صراط مستقیمی که امام در کشور ترسیم کرد؛ جایگاه اینها را بداند؛ این، بصیرت است.» ● ۹۴/۹/۴ لذا بصیرت در زندگی فردی و اجتماعی ضرورت دارد؛ «نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است، راه را انسان نمیبیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، امّا نمیدانید کجا باید بروید.» ● ۹۲/۱۰/۱۹ «بی بصیرتها فریب می‌خورند. بی بصیرتها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند، بدون این که خود بدانند.» ● ۷۱/۶/۲۲ فقدان بصیرت خطراتی جدی به دنبال دارد: «اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان.» ● ۸۸/۵/۵ در نتیجه رویکرد و اقدام صحیح در فتنه، تلاش در جهت «کسب بصیرت و بصیرت افزایی» و «تبیینِ حقایق» است؛ «در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند.» ● ۸۸/۷/۲

«بایستی گره‌گشائی کرد؛ بایستی حقیقت را بازکرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد. و این تبیین لازم دارد.» ● ۸۸/۶/۱۴

باید حق را شناخت...

امابرای اینکه بتوانیم در زمینه‌ی کسب بصیرت، موفق باشیم باید عوامل ایجاد بصیرت را در خودمان تقویت کنیم. اولین مسئله در این زمینه این است که بدانیم پایه و مبنای بصیرت، («داشتن نگاه توحیدی به جهان» است چراکه نگاه مادی ناقص و محدود است؛ «انسان با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است؛ با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است... این، پایه‌ی اساسی معرفت و بصیرت است.» ● ۸۹/۸/۲ دومین عامل، («ایمان و تقوا») است: «آنچه که بصیرت و بینش انسان را در قضایای مختلف و در حوادث گوناگون وزیر غبار تبلیغات جنجال‌آمیز دشمنان، تضمین و حفظ می‌کند، دل مؤمن و پاک و نورانی است... دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی‌شود.» ● ۸۲/۶/۲۹ «اخلاص در عمل» از دیگر عواملی است که نور بصیرت به انسان می‌دهد؛ «هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر میکند. «(اَللّهُ وَلِیُّ الَّذینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّور)»؛ خدا ولیّ شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان میتواند واقعیّات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیّات را هم نمیتواند ببیند.» ● ۸۹/۹/۴ نکته‌ی مهم اینکه «امیرالمؤمنین ﷺ فرمود، («لایعرف الحقّ بالرّجال»)؛ با چهره‌ها نمیشود حق را تشخیص داد. یك چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمیتواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر را راعوضی میروند، اشتباه میکنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است.» ● ۸۹/۸/۲

تدبر و کلان نگری راه تقویت بصیرت

اما علاوه بر تقویت عوامل عقیدتی و ایمانی، باید به الزامات فهم و تحلیل صحیح هم در این زمینه توجه داشت. مهم‌ترین عنصر، داشتن «نگاه کلان» است: «(باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا میکند که اوّلاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم میدهد که برای آینده چه باید بکنیم.» ● ۹۳/۶/۱۳ «تدبر در حوادث» و سطحی نگاه نکردن است؛ «انسان در حوادثی که پیرامون او میگذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبّر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند؛ «رحم‌الله امرءً تفکّر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبّر، م سائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند.» ● ۸۹/۸/۴ مورد دیگر که بصیرت‌آور است، پرهیز از پیش داوری‌هاست؛ «(بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستیها، دشمنیها، هوای نفس‌ها و پیشداوریهای گوناگون نشود.» ● ۸۹/۸/۴ و اینکه ارتباط با عالمان و مطالعه‌ی کتاب‌های خوب در زمینه‌ی دستیابی به بصیرت سودمند است: «(بی بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمیخواهم - از بین ببرید.» ● ۸۸/۵/۵

این گونه همه تیغهای دشمن کُند می‌شود...

نکته‌ی پایانی اینکه باید فتنه را شناخت، اسیر اوضاع تشبه حق و باطل نشد و سعی کرد با استفاده از عنصر بصیرت به سراغ رفع فتنه رفت. راهکار رخنثی سازی فتنه، بصیرت و تبیین و روشنگری است و باید دانست («یک ملّتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمیدارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند.» ● ۸۸/۷/۱۵

درس اخلاق

کار و علم‌آموزی مثل نماز و قرآن خواندن عبادت است

ببینید در قرآن چقدر این تعبیر «(ایمان) و «(عمل صالح)» تکرار شده است! یکی از این عملهای صالح، همین است که شما در کلاس، درس بگویید، یا در کارگاه و مزرعه، کار کنید، پراکندن علم و فراهم کردن کار هم مثلِ نماز و خواندن قرآن، عبادت است. این، بدین خاطر است که آن کمالی که خدای متعال میخواهد بشر در دوران زندگی به آن نائل شود، از جمله به علم و کار بستگی دارد. جامعه و مردم بیکار، یا کم کار، بد کار، بیعلم و بیسواد، نمیتوانند آنچنان که باید، خودشان را به مراحل کمال بشری برسانند. زندگی دنیایشان هدر خواهد رفت. هر چه کار مفیدتر و بهتر باشد، ثواب آن بیشتر است. علمی که یاد میدهید، هر چه مفیدتر باشد، ثواب آن بیشتر است. این‌طور نیست که اگر قرآن و علوم دینی را یاد دادید، ثواب داشته باشد، امّا یاد دادن جبر، مثلثات، فیزیک و هندسه، ثواب نداشته باشد. ● ۱۳۷۴/۰۲/۱۳

مناسبت

حاج‌آقا نورالله نجفی از زمان خود در فهم سیاسی جلوتر بود

مرحوم حاج‌آقا نورالله انصافاً از یک نظر، قله‌ای این خاندان است. ایشان از لحاظ علمی، شاگرد میرزا و اصحاب سامره است که چند سالی در آن جا زندگی کرده و برگشته و شاگرد پدرش - یعنی همان مکتبِ مرحوم شیخ محمدتقی، صاحب حاشیه - است که در اصفهان رواج پیدا کرد و مکتب علمی شد و علمای بزرگی را هم تربیت کرد. از لحاظ فهم سیاسی هم بسیار مرد فهیم و جلوتر از زمان خودش بود؛ هم در قضیه‌ی مشروطه، انسان این مسأله را مشاهده میکند، هم در قضیه‌ی رضاشاه. این حرکتی که ایشان در ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ شروع کرد که قم را پایگاه خودشان قرار داد و انتظاراتی را از رضاشاه مطرح کرد، کارهای خیلی بزرگی است؛ منتها آن استبداد رضاخانی و سرنیزه و قلدری رضاخانی نگذاشت این قضیه موج پیدا کند؛ والّا اگر یک مقدار آن فشار دیکتاتوری رضاخانی نبود، این قضیه در همه‌ی ایران موج پیدا میکرد و شاید نتایج بسیار مهمی را انسان میتوانست حدس بزند که بر آن مترتب میشد؛ لیکن نگذاشتند، بعد هم که به شهادت و مسموم کردن ایشان منتهی شد. بنابراین، از لحاظ فهم سیاسی هم ایشان خیلی مهم بوده است. ● ۱۳۸۶/۰۵/۱۵

به مناسبت چهارم دیماه؛ سالروز شهادت حاج آقا نورالله نجفی (۱۳۶۴ ش)

دولت جوان حزب‌اللهی

دولت از مجموعه‌های جوان، حمایت هوشمند کند

به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور؛ و یک حرکت انقلابی لازم است. البتّه «(حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. انقلابی باید باشد، بنیانی باید حرکت بشود، در عین حال برخاسته‌ی از اندیشه و حکمت باشد. اگر دولتها و بخشهای فرهنگی دولت به این مجموعه‌های جوان و علاقه‌مند کمک بکنند، قطعاً کارهای بزرگی انجام خواهد گرفت و قدمهای خلّاقانه‌ای برمیدارند؛ صدها طرح ابتکاری در این زمینه وجود دارد در اختیار این جوانها، که گاهی اوقات انسان میبیند کارهای بزرگی اینها میتوانند انجام بدهند و به ذهنشان می‌آید؛ خب امکانات میخواهند و امکانات در اختیار دولت است؛ بایستی حمایت هوشمند انجام بگیرد. استعدادها را کشف کنید، از آنها حمایت کنید، آزادی‌شان را تأمین کنید؛ البتّه آزادی در چارچوب اصول قانون. ● ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

شهید هفته

با یاد شهدا، شکست معنا ندارد

این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید مدافع حرم سردار حمید تقوی

روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند و اگر این شد، آنوقت مسئله‌ی شهادت که به معنای مجاهدت تمام‌عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛ پیش خواهد رفت. ● ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

تاریخ شهادت: ۶ دی ۱۳۹۳ | محل شهادت: بلد-سامرا | مزار: گلزار شهدای اهواز

کلام امام

هدف انبیاء هدایت بشر به راه مستقیم الهی است

عیسی مسیح همه چیزش معجزه بود. معجزه بود که از یک مادر باکره متولد شد. معجزه بود که در مهد سخن گفت. معجزه بود که برای بشر صلح و صفا و روحانیت آورد. همه معجزه، همهٔ انبیا معجزه هستند، و همه برای ساختن بشر آمدند. همه می خواهند که بشر به راه مستقیم الهی سیر کند، و همه می خواهند که تمام افراد بشر در صلح و صفا و برادری زیست کنند. این وظیفهٔ مأمورین الهی است که در دنیا آمده اند برای اینکه بشر را از این عالم به عالم بالا ببرند. و یک وظیفه هم روحانیین ملتها دارند؛ روحانیین مسیح، روحانیون مسلم، روحانیون یهود، همهٔ روحانیون. و آن وظیفه تبعیت تام از پیغمبرها، و از آنهایی که آمدند برای تربیت بشر و برای حفظ و صفا بین تمام افراد بشر. ● ۱۳۵۸/۱۰/۰۴

عکس نوشت

تصویری از مرحوم حسن ایرلو، در دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۵/۲۲

سفیر مجاهد و کارآمد

درگذشت شهادت گونه‌ی سفیر مجاهد و کارآمد جمهوری اسلامی در یمن جناب آقای حسن ایرلو رحمة الله علیه را به خاندان گرامی و به دوستان و همفکرانش در مراحل گوناگون مجاهدت دراز مدت وی تسلیت و تبریک عرض میکنم. پرونده‌ی افتخار آمیز او مجموعه‌ئی از مجاهدات سیاسی و تلاشهای دیپلوماسی و تحرک اجتماعی است. دو برادر وی پیش از او به فیض شهادت رسیده‌اند. رحمت خدا بر این برادر جهادگر و خاندان صبور و بصیر و فداکارش باد. ● ۱۴۰۰/۱۰/۱

پیام تسلیت در پی درگذشت شهادت گونه آقای حسن ایرلو، سفیر ایران در یمن

خطبه‌های انقلاب

نباید توطئه‌های آمریکا علیه ملت ایران نادیده گرفته شود

بعد از پیروزی انقلاب، رابطه ما با امریکا، از طرف ما قطع نشد. یعنی ملت ایران در حال اقتدار، مظلومیتهای گذشته خودش را ندیده گرفت و دولت امریکا را عفو کرد. اما دولت امریکا این بزرگواریهای ملت ایران و انقلاب را ندیده گرفت. امریکاییها از همان روزهای اوّل، شروع به توطئه و بدی کردند؛ امروز امریکاییها وقتی میخواهند تاریخ دشمنیهای بین دولت امریکا و دولت ایران را بیان کنند، از قضیه سفارت شروع میکنند. در حالی که تاریخ از آن جا شروع نمیشود؛ ضربات امریکایی و خنجرزدنها و خیانتها و کودتا درست کردن ها و قضیه کودتای پایگاه شهید (نوژه) و قضایای دیگر، پشت سرِهم علیه جمهوری اسلامی انجام گرفت تا جنگ تحمیلی. اینها را نباید نادیده گرفت. ملت ایران در مقابل این حرکتها و این ظلمهاست که این طور در مقابل امریکا ایستاده است. ● ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

خانواده ایرانی

زوجین حق زورگویی به یکدیگر را ندارند

از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقرّرات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجّه به طبیعت زن و مرد، با توجّه به مصالح جامعه‌ی اسلامی، این احکام را معیّن کرده است. اینها همه به خاطر طبیعت زن و مرد است. هر کدام ویژگی‌ای دارد. در داخل خانواده، کار و روحیّات مرد را نباید از زنان توقّع کرد؛ روحیات زن را هم نباید کسی از مرد توقّع کند. هر کدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که اگر رعایت شد، هم این خوشبخت است و هم آن. ● ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

با افتخار ایرانی

تولید ثروت ملّی در نظام اسلامی یک ارزش است

در نظام اسلامی، اقتصاد نقش بسیار مهمّی دارد. اینکه بعضی تصوّر کنند که در نظام اسلامی به مقوله‌ی تولید ثروت و گسترش رفاه عمومی و تولید بنگاه‌های مهمّ ثروت‌ساز بی‌اعتنائی شده، خطای بزرگی است؛ چنین چیزی نیست. یکی از ارکان مهمّ نظام اسلامی ثروتمند کردن جامعه و کشور است؛ ثروت ملّی. البتّه نوع نگاه نظام اسلامی به ثروت با نوع نگاه حکومتهای مادّی و سیستم‌های مادّی - چه با آنچه در دنیا، سرمایه‌داری و تحت عنوان لیبرالیستی شناخته میشود، چه با آنچه تحت عنوان مارکسیستی و نظام سوسیالیستی و مانند اینها شناخته میشود - تفاوت دارد. در نظام اسلامی، تولید ثروت ملّی یک ارزش است، توزیع ثروت ملّی به نحو عادلانه هم یک ارزش است؛ اسلام معتقد است به تولید ثروت ملّی و بالا رفتن سطح رفاه عمومی جامعه. ● ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

به رسم آیه‌ها

حیات طیّبه، تکامل معنوی و عروج روحی انسان است

در بعثتِ همه‌ی پیامبران اهدافی وجود داشته است... که رأس همه‌ی این هدفها عبارت است از توحید... هدفهای دیگری هم وجود دارد؛ تزکیه‌ی بشر، یعنی پالایش روحی انسانها از آلودگی‌ها و از پیرایه‌های پست‌کننده و انحطاط‌آور، تعلیم انسانها و مقام علمی انسانها را بالا بردن. استقرار عدالت، که جامعه‌ی بشری با عدالت اداره بشود، لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط.[1] ایجاد حیات طیّبه؛ فَلَنُحیِیَنَّه حَیوةً طَیِّبَةً؛[2] این حیات طیّبه یعنی چه؟ حیات طیّبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادّی بشر، امنیّت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی اینها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیّبه یعنی اینها. اینها اهداف بعثت پیامبران است. ● ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

۱- سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵ | ۲- سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۷